

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

**تحلیل روان‌شناختی ویژگی‌های زنان در ادبیات کلاسیک با تکیه بر کتاب‌های کلیله و دمنه،  
مرزبان‌نامه، بختیارنامه و سندبادنامه**

**استاد راهنما:**

دکتر محمد یاوری

**استاد مشاور:**

دکتر حسین قمری

**توسط:**

زینب برزگرماهر

بهار - ۸۸

تقدیم به:

# زنان تاریخ سرزمینم، ایران.

## قدردانی و سپاسگزاری

اکنون که با لطف و عنایت خالق هستی، کار تدوین پایان نامه را به پایان می‌برم تشکر و قدردانی می‌کنم از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر محمد یوری که در سمت استاد راهنما نقش بسزایی در راهنمایی اینجانب داشتند و از استاد مشاور جناب آقای دکتر حسین قمری نیز که همواره با دقت فراوان اظهار نظرهای علمی سودمندی داشته‌اند سپاسگزاری می‌نمایم.

از تمامی اساتید گرانقدر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، که افزونی دانش من با همت و تلاش ایشان به انجام رسید نیز سپاسگزارم.

همچنین از خانواده‌ی عزیزم که در طول تحصیل همه جا همراه و مشوقم بودند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

|   |                              |
|---|------------------------------|
| نام خانوادگی دانشجو: برزگرماهر  | نام: زینب                    |
| <p><b>عنوان پایان نامه:</b> تحلیل روان‌شناختی ویژگی‌های زنان در ادبیات کلاسیک با تکیه بر کتاب‌های کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، بختیارنامه و سندبادنامه.</p>   |                              |
| استاد(راهنما): دکتر محمد یآوری  | استاد(مشاور): دکتر حسین قمری |
| <p><b>مقطع تحصیلی:</b> کارشناسی ارشد      <b>رشته:</b> زبان و ادبیات فارسی      <b>گرایش:</b> محض      <b>دانشگاه:</b> محقق اردبیلی</p> <p><b>دانشکده:</b> ادبیات و علوم انسانی      <b>تاریخ فارغ التحصیلی:</b> ۱۳۸۹/۲/۲۶      <b>تعداد صفحه:</b> ۸۵</p>   |                              |
| <p><b>کلید واژه:</b> ویژگی‌های زنان، ازدواج، مسائل جنسی، حمیت، منطق و استدلال، پاکدامنی زن و بدبینی مرد.</p>  |                              |
| <p><b>چکیده</b></p> <p>رساله‌ی حاضر در چهار فصل تهیه و تنظیم گردیده است. فصل اول، شامل مقدمه، تعریف مسئله، هدف و ضرورت تحقیق می‌باشد. در این فصل به دیدگاه‌های مختلف در روان‌شناسی و ادبیات پیرامون ویژگی‌های زنان اشاره شده است. فصل دوم، شامل پیشینه و روش تحقیق می‌باشد. در این گفتار به آثاری که در این زمینه نگاشته شده‌اند، اشاره و پیشینه‌ی پژوهش مورد بحث قرار گرفته است. فصل سوم شامل استخراج ویژگی‌های زنان از کتاب‌های کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، بختیارنامه و سندبادنامه است که تحت موضوعات کلی ازدواج، مسائل جنسی، حمیت، منطق و استدلال، پاکدامنی زن و بدبینی مرد ابتدا حکایات مربوط ذکر شده و سپس مورد تحلیل روان‌شناختی قرار گرفته‌اند. در اکثر حکایات موضوع ازدواج، برای زن اختیاری جهت این امر در نظر گرفته نشده است لیکن در معدودی از حکایات که زنان خود به انتخاب پرداخته‌اند معیارهای اخلاقی مد نظر بوده‌است. مسائل جنسی که بیش‌ترین حجم این کتب را تشکیل داده است، نشانگر نوع دیدگاه غالب در دوره‌ی نگارش آن‌ها نسبت به زنان می‌باشد. ویژگی حمیت یکی از ویژگی‌های اصلی روحی زنان است که به عنوان ابزاری جهت محافظت از حریم عاطفی مورد استفاده قرار گرفته و تجلی زنان گاه به عنوان راهنمایانی خردمند در این کتب نشانگر وجود منطق و تعقل در روح زنان می‌باشد. پاکدامنی زنان در برخی از داستان‌ها با بدبینی مردان توأم می‌شود که غالباً حاکی از پیشداوری نسبت به زنان در فرهنگ آن دوران می‌باشد. ویژگی‌های زنان علی‌رغم انطباق نسبی با آموزه‌های روان‌شناسی، از تاثیر فرهنگ دوره‌ی نگارش آن‌ها برکنار نبوده و گاه در تعارض با آن آموزه‌ها قرار می‌گیرند، لیکن نویسندگان کتب مذکور، بر تفاوت میان زن و مرد اذعان داشته، سعی در نشان دادن آن‌ها داشته‌اند. فصل چهارم، نتیجه‌گیری از کل مباحث پایان‌نامه می‌باشد که به صورت موجز و مختصر ارائه گردیده است.</p> |                              |

## فهرست مطالب

صفحه

|    |  |
|----|--|
| ۱  | <b>فصل اول: کلیات</b>                        |
| ۲  | ۱-۱- مقدمه                                   |
| ۵  | ۱-۲- بیان مسئله                              |
| ۶  | ۱-۳- هدف و ضرورت تحقیق                       |
| ۶  | ۱-۳-۱- اهداف                                 |
| ۷  | ۱-۳-۲- ضرورت                                 |
| ۸  | ۱-۳-۳- سوالات                                |
| ۹  | <b>فصل دوم: پیشینه تحقیق و روش اجرای طرح</b> |
| ۱۰ | ۲-۱- پیشینه ی تحقیق                          |
| ۱۲ | ۲-۲- روش اجرای طرح                           |
| ۱۳ | <b>فصل سوم: بحث</b>                          |
| ۱۴ | ۳-۱- کلیله و دمنه                            |
| ۱۵ | ۳-۱-۱- همکاری                                |
| ۱۵ | ۳-۱-۲- مسائل جنسی                            |
| ۲۱ | ۳-۱-۳- منطق و استدلال                        |
| ۲۶ | ۳-۱-۴- پاکدامنی زن و بدبینی مرد              |
| ۲۹ | ۳-۱-۵- ازدواج                                |
| ۳۰ | ۳-۱-۶- حمیت                                  |
| ۳۲ | ۳-۱-۷- حس مادری                              |
| ۳۳ | ۳-۲- مرزبان نامه                             |
| ۳۴ | ۳-۲-۱- منطق و استدلال                        |
| ۳۹ | ۳-۲-۲- ازدواج                                |
| ۴۳ | ۳-۲-۳- مسائل جنسی                            |
| ۴۵ | ۳-۲-۴- پاکدامنی زن و بدبینی مرد              |
| ۴۷ | ۳-۲-۵- حمیت                                  |
| ۴۹ | ۳-۳- بختیار نامه                             |
| ۵۰ | ۳-۳-۱- ازدواج                                |
| ۵۵ | ۳-۳-۲- حس مادری                              |

|    |                                 |
|----|---------------------------------|
| ۵۶ | ۳-۳-۳- پاکدامنی زن و بدبینی مرد |
| ۶۰ | ۳-۳-۴- منطق و استدلال           |
| ۶۱ | ۳-۳-۵- وفاداری                  |
| ۶۲ | ۳-۳-۶- پاکدامنی                 |
| ۶۴ | ۳-۴- سندبادنامه                 |
| ۶۵ | ۴-۳-۱- مسائل جنسی               |
| ۷۲ | ۴-۳-۲- پاکدامنی زن و بدبینی مرد |
| ۷۳ | ۴-۳-۳- منطق و استدلال           |

### تصاویر

|    |         |
|----|---------|
| ۷۵ | تصویر ۱ |
| ۷۶ | تصویر ۲ |
| ۷۷ | تصویر ۳ |
| ۷۸ | تصویر ۴ |

### فصل چهارم: نتایج

|    |                 |
|----|-----------------|
| ۸۰ | ۴-۱- نتیجه گیری |
| ۸۲ | ۴-۲- پیشنهادها  |
| ۸۳ | فهرست منابع     |
|    | چکیده‌ی انگلیسی |

## فصل اول: کلیات



## ۱-۱- مقدمه

ادبیات کلاسیک ایران شامل مجموعه داستان‌هایی است که جهت مطالعه‌ی آن‌ها ناچار از توجه به عناصر داستانی آن هستیم؛ از جمله‌ی عناصر داستانی عنصر "شخصیت" می‌باشد؛ «شخصیت در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او در عمل و آنچه می‌گوید و می‌کند وجود داشته باشد». (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۸۴) شخصیت زنان از جمله شخصیت‌های مطرح در این داستان‌هاست و بدیهی است تحلیل صحیح ویژگی‌های روانی زنان جز با بهره‌گیری از علم روانشناسی امکان‌پذیر نخواهد بود چرا که «روان‌شناسی را علم رفتار تعریف کرده‌اند. رفتار یعنی واکنش‌های یک فرد در یک محیط و در یک زمان معین. این رفتار که در عین حال هم به فرد و هم به محیط وابسته است همیشه دارای معناست.» (گنجی، ۱۳۷۹: ۱۳)

بدین ترتیب زنان در داستان‌های مورد بحث با توجه به موقعیت‌های مختلف با ویژگی‌های متفاوتی جلوه می‌کنند و سبب پیدایش شخصیت‌های مختلف در داستان‌ها می‌گردند.

نویسندگان کتاب‌های "کلیله و دمنه، مرزبان نامه، سندبادنامه و بختیارنامه" زنان را گاه در نقش قهرمان وارد داستان می‌کنند که به مسیر داستان سمت و سو می‌بخشند و گاه مانند عناصری منفعل متجلی می‌سازند که صرفاً دستخوش عوامل و شرایط بیرونی می‌باشند.

کتاب کلیله و دمنه «از کتب خزینگی ملوک هند بوده است و در زمان انوشیروان، طیب دانایی "برزویه" نام به امر شاهنشاه، آن کتاب را از هند به ایران آورد و به زبان پهلوی ترجمه کرد.» (بهار، ۱۳۸۱: ۲۵۷)

این کتاب بعدها توسط عبدالله بن مقفع از پهلوی به عربی ترجمه شده است و ابوالمعالی نصرالله منشی ترجمه‌ی وی را به فارسی برگردانده و آن را به یکی از نثرهای شیوای سبک فنی تبدیل ساخته است. (همان: ۲۵۸) این کتاب مجموعه‌ای از داستان‌های به هم پیوسته است که معمولاً از زبان حیوانات نقل می‌شود و در ضمن آن به اندرز مخاطب پرداخته می‌شود.

کتاب مرزبان‌نامه یکی از آثار ارزشمند نثر فنی است که توسط سعدالدین وراوینی در قرن هفتم هجری از گویش طبری به زبان فارسی باز نویسی شده است. این کتاب مشتمل بر پند و موعظه است که در لباس کنایات و تمثیلات، از زبان دیگران و به ویژه حیوانات نقل می‌شود. نثر کتاب از شیوه‌ی متکلفانه به دور است و ضمن تقلید از کتاب کلیله و دمنه‌ی ابوالمعالی به موازنه و ازدواج و مترادفات بسنده کرده است.

(همان: ۲۶) داستان‌های مطرح در مرزبان نامه با درون مایه‌های برخاسته از زندگی روزمره‌ی انسان، مانند آینه‌ای است که فرهنگ و ویژگی‌های روحی مردم عصر خویش را منعکس کرده است، بدین ترتیب می‌تواند منبعی مناسب برای تحلیل آداب و رسوم مردم ایران در برهه‌ی تاریخی خاص به شمار رود.

سندبادنامه در سال ۳۳۹ هجری از پهلوی به فارسی دری ترجمه شد. (کشاورز، ۱۳۷۷: ۶۵۶) این کتاب از مجموعه داستان‌هایی تشکیل شده است که پس از خیانت یک زن به همسر خویش، از افراد مختلف در داستان نقل می‌شود. بختیارنامه همانندی‌های بسیاری با سندبادنامه دارد و این هر دو به گونه‌ای با داستان‌های هزار و یک شب پیوند دارند، نشانه‌هایی که در دست است، گویای آن است که داستان «آزاد بخت و بختیار در دوره‌های اسلامی بازنگاری شده است.» (روشن، ۱۳۸۲: ۳) این کتاب که با توجه به وجود داستان‌های مختلف در آن می‌تواند منبع مناسبی جهت مطالعه‌ی احوال زندگی مردم در دوره‌ی نگارش آن باشد، در سده‌ی ششم و هفتم توسط نویسندگانی ناشناخته به نثری فنی بازنویسی شده است. (همان: ۴) آن‌چه درین کتب مشهود است بر شمردن ویژگی‌های منحصر به فرد در مورد زنان می‌باشد که علاوه بر پدید آوردن شخصیت زنانه در این داستان‌ها، مجموعه ویژگی‌هایی شخصیتی و روحی را رقم می‌زند که بر اساس آن می‌توان به تحلیل روان‌شناختی ویژگی‌های زنان در دوره کلاسیک دست یازید. از سویی دیگر علم روان‌شناسی نیز پیرامون شخصیت زنان به ایراد عقاید و نظریاتی پرداخته و از آن جایی که روان‌شناسی بر تفاوت میان زنان و مردان تاکید می‌ورزد، شخصیت زنان را از جهات مختلف مور بررسی قرار داده است. زیگموند فروید<sup>۱</sup> از نخستین روان‌شناسانی است که پیرامون شخصیت زنان به ایراد نظریه پرداخته است، وی شخصیت زنان را متأثر از مسائل جنسی می‌داند و در نظریات خود به زنان به عنوان افرادی که بر اساس غبطه‌ی آلتی دچار عقده‌ی حقارت هستند، می‌نگریست. در برابر، کارن هورنای به مخالفت با عقاید وی پرداخته است و این نظریه را به علت شواهد ناکافی و از سویی دیگر تفسیر آن‌ها در زمان و مکانی که زنان در مقام دوم قرار داشته‌اند رد می‌کند. (شولتز، ۱۳۸۴: ۱۸۵) وی در کتاب روان‌شناسی زنان چنین می‌نویسد: «زنان خود را با امیال مردان وفق داده‌اند و بر ایشان مشتبه شده است که این انطباق و انقیاد در ماهیت و هویت راستینشان ریشه دارد. در حقیقت آن‌ها خود را با چشم مردانشان نگریسته‌اند و ناخودآگاه به تفکری مردانه تن در داده‌اند.» (هورنای، ۱۳۸۴: ۶۴) باربارا دی آنجلس در مورد تفاوت زنان و مردان در احساس ارزشمندی شخصی می‌نویسد «احساس ارزش شخصی زنان به این بستگی دارد که چقدر در عشق ورزیدن و ارتباط برقرار کردن موفق بوده‌اند. این در حالی است که احساس ارزشمند بودن در مردان به میزان دست‌یابی آن‌ها به موفقیت

بستگی دارد.» (دی آنجلس الف، ۱۳۸۳: ۷۶) بدین ترتیب دی آنجلس ضمن برجسته کردن ویژگی عشق ورزی در زنان، آن را به عنوان مهم‌ترین ویژگی زنان معرفی می‌کند. وی معتقد است برای زنان همیشه عشق در اولویت اول قرار دارد و زنان تمام وقت و انرژی خود را صرف این مسئله می‌کنند. (همان: ۱۶۲)

جان‌گری در آثار خود گرایش به صحبت کردن را از ویژگی‌های مهم زنان بر می‌شمرد، به اعتقاد وی «زن با حرف زدن درباره‌ی جزئیات مسائلش خشنود می‌شود و آرام می‌گیرد.» (گری الف، ۱۳۸۳: ۵۵) در واقع به اعتقاد وی صحبت کردن علاوه بر این که وسیله‌ی ارتباطی است می‌تواند ابزاری باشد در جهت رفع استرس‌های زنان و رسیدن آن‌ها به آرامش. (همان: ۹۴)

آلن پیز پیرامون موضوع ازدواج معتقد است زنان دو انتظار اصلی را در ازدواج دنبال می‌کنند: نیاز به صداقت و نیاز به ویژه بودن. (پیز، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

به اعتقاد وی زنان جهت دست‌یابی به محیطی مملو از عاطفه و عشق ازدواج را انتخاب می‌کنند و در این راستا به رابطه جنسی نیز تن می‌دهد. «رابطه‌ی جنسی قیمتی است که زن برای ازدواج می‌پردازد.» (همان: ۱۱۰)

بدین ترتیب ازدواج برای زنان مانند نقطه‌ی شروعی است برای دست‌یازیدن به پناهگاهی مطمئن، زنان در چنین محیطی تمام روح و جسم خود را به نشان عشق ورزی نسبت به محبوب خویش، نثار زندگی زناشویی می‌کنند. به عبارتی دیگر ارتباط ویژه و منحصر به فرد مرد با همسر خویش، به گونه‌ای که مشابه آن رابطه را با شخص دیگری نداشته باشد، ضمن ایجاد امنیت خاطر برای زن محیط مناسبی جهت عشق‌ورزی زن فراهم می‌آورد.

یکی دیگر از ویژگی‌های زنان که توسط روان‌شناسان مورد بررسی قرار گرفته است گرایش زنان به مصالحه و پرهیز از درگیری می‌باشد. این ویژگی که در شخصیت برخی از زنان مشهود است می‌تواند دلیل بسیاری از مسائلی باشد که برای زنان در زندگی رخ می‌دهد، «خانم‌ها مراقبند تا زیاد اعتراض نکنند. آن‌ها از پرخاشگری و داشتن روحیه‌ی تهاجمی می‌پرهیزند زیرا خیال می‌کنند محبوبیتشان به خطر می‌افتد.»

(ارهارت، ۸۴: ۳۷) بر این اساس پرهیز از مشاجره و اعتراض و تمایل به سازش با شرایط نابرابر از ویژگی‌هایی به شمار می‌آید که اغلب در روح و روان زنان مشهود است. مطابق این خصلت زنانه، خواسته‌ها و نیازهای مختلف زنان فدای نیاز آن‌ها یعنی نیاز به امنیت می‌شود. زن با چنین تصویری که اعتراض و مطالبه‌ی نیازهایش

احتمال از دست دادن معشوقش را فراهم می‌کند، سکوت را ترجیح می‌دهد و ضمن سرکوب نیازهای خود، سعی در حفظ و نگهداری محبوب خویش دارد.

بدین ترتیب روان‌شناسی ضمن صحنه نهادن بر تفاوت‌های روحی و شخصیتی میان زنان و مردان، به بررسی ویژگی‌های منحصر به فرد زنان پرداخته و سبب شده است روان‌شناسی زنان به یکی از مقولات قابل توجه در روان‌شناسی معاصر تبدیل گردد.

## ۲-۱- بیان مسئله

تحلیل شخصیت زنان در ادبیات کلاسیک سبب مشخص شدن ویژگی‌هایی روحی و روانی زنان در آن دوره و نحوه‌ی تعامل آن‌ها در محیط خانوادگی و اجتماعی می‌گردد، بر این اساس عدم تحلیل شخصیت در داستان احتمال عدم دریافت و درک صحیح از داستان را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود خواننده در تبیین اهداف داستان دچار اشتباه گردد. علاوه بر این که امکان تحلیل واقع‌گرایانه‌ی شخصیت زنان را نیز در دوره‌ی نگارش داستان از مخاطب سلب می‌کند.

ویژگی‌هایی که در ادبیات کلاسیک ایران پیرامون شخصیت زنان برشمرده شده است، گاه چنان با ویژگی‌های زنان در علم روان‌شناسی به تضاد می‌رسد که ذهن جست و جوگر را به تحلیل و مقایسه این تضادها رهنمون می‌سازد.

"برزویه‌ی طیب" پرهیز از علاقه‌مندی به زنان را از شرایط کمال برمی‌شمرد و آن را هم ارزش با بیزاری از دروغ و سخن‌چینی می‌داند، «از هوای زنان اعراض کلی کردم و زبان از دروغ و نمایی و سخنانی که ازو مضرتی تواند زاد، چون فحش و بهتان و غیبت و تهمت، بسته گردانید.» (منشی، ۱۳۸۴: ۵۱) حال آن که در علم روان‌شناسی به عشق ورزی نسبت به زنان به دیده‌ای دیگر نگریسته شده است «عشق ورزیدن با تمام وجود و از خود گذشتگی یک هدیه است نه یک اشتباه. عشق را در اولویت قرار دادن نمودی از هویت زنانه است نه یک نقطه ضعف.» (دی آنجلس، ۱۳۸۲: ۹۸)

در حکایتی نیز زن با مشاهده‌ی زنان دیگر در حریم عاطفی خود احساس خطر می‌کند و سعی در دفع موانع موجود دارد. درین حکایت، نویسنده رفتار زن را ناشی از ویژگی حسادت برمی‌شمرد و آن را مذموم می‌داند (منشی، ۱۳۸۴: ۷۵) و حال آن که باربارا دی آنجلس درین مورد چنین می‌نویسد: «باور غلط: زن‌ها حسود هستند. واقعیت: زن‌ها محافظ و نگاهبان روابط صمیمی و نزدیک خود هستند.» (دی آنجلس الف، ۱۳۸۲: ۲۸۶) وی در توضیح این مطلب می‌افزاید: «ما زن‌ها به نحوی غریزی محافظ و مدافع عزیزان

خودیم و همواره مراقب تهدیدات و خطرات احتمالی هستیم» (همان: ۲۸۷) بنابراین حسادت تنها ابزاری است که برای محافظت از عزیز اختیار می‌شود.

حتی کارن هورنای از نخستین روان‌شناسان زن، پای را از این حد نیز فراتر می‌نهد و نه تنها ساحت زن را از ویژگی حسادت بری می‌شمرد بلکه آن را از ویژگی‌های شخصیت مردان می‌داند؛ وی «اعتقاد داشت که جنس مذکر چه بزرگسال و چه خردسال، به دلیل توانایی مادر شدن زنان که آن‌ها را از نظر فیزیولوژیکی نسبت به مردان برتر می‌سازد، به آنان حسادت می‌ورزد.» (شولتز، ۱۳۸۴: ۱۸۵) هورنای به بررسی نمودهای این حسادت پنهان می‌پردازد و در کتاب روان‌شناسی زنان می‌نویسد «این امر به روشنی در قالب حسادت شدید پسر نسبت به قابلیت مادری به روشن‌ترین وجه در ضمیر ناخودآگاه مرد منعکس شده است.» (هورنای، ۱۳۸۴: ۶۸)

طبق نظر هورنای «مردان سعی می‌کنند که احساس غبطه‌ی خود را با پیشرفت در کارهایشان و تلاش برای کسب موقعیت‌های برتر، نسبت به زنان جبران کنند. علاوه بر این، غبطه‌ی رحمی [غبطه‌ی ناهوشیار مردان نسبت به زنان به دلیل توانایی مادر شدن زنان] و احساس بیزاری و تنفر همراه با آن به شکلی ناهشیار منجر به بروز رفتارهایی در جهت تحقیر کردن و کوچک شمردن زنان می‌شود.» (شولتز، ۱۳۸۴: ۱۸۵)

بدین ترتیب ذهن مخاطب در تحلیل ویژگی‌های زنان با مجموعه‌ای از داده‌های انبوه روبه‌روست که گاه متضاد می‌نمایند که در صورت عدم تحلیل علمی و قانون‌مند، به خطا خواهد رفت و ای بسا دچار داوری نادرست گردد. در این پژوهش سعی بر آن است تصویری واضح و روشن از ویژگی‌های زنان در ادبیات کلاسیک بر اساس مباحث روانشناسی ترسیم شود.

### ۳-۱- هدف و ضرورت تحقیق

#### ۱-۳-۱- اهداف:

- ۱- شناسایی و معرفی ویژگی‌ها و اندیشه‌های زنان در ادبیات کلاسیک
- ۲- شناسایی ویژگی‌های مشترک موجود در دو دیدگاه ادبیات کلاسیک و روانشناسی
- ۳- شناسایی ویژگی‌های متفاوت موجود در دو دیدگاه ادبیات کلاسیک و روانشناسی
- ۴- مقایسه‌ی ویژگی‌های زنان از دو دیدگاه ادبیات کلاسیک و روانشناسی
- ۵- تحلیل روان‌شناختی روابط زناشویی موجود در کتب موردنظر

## ۲-۳-۱- ضرورت:

زنان در دوران کهن به منظور حفظ وادامه حیات خود متکی به وجود مردان بودند چراکه مردان تنها تامین کنندگان غذا و مدافعان قبیله در برابر حملات حیوانات وحشی و یا قبایل دیگر بودند؛ در چنین شرایطی تنها هدفی که زنان در زندگی خود با آن مواجه بودند یافتن مردانی بود که آنها و کودکانشان را از خطرات احتمالی محافظت کند.

بدین ترتیب زن در دوران کلاسیک ناخواسته و بر اثر عوامل فیزیکی و جسمی، موجودی وابسته و ضعیف تعریف می شد که زندگی وی به وجود مرد می پیوست و وظیفه ی او عبارت بود از این که خواسته های حامی و محافظ خود را تامین کرده و در خدمت و بندگی کامل او باشد.

در طول تاریخ نه تنها اکثر سردمداران و صاحبان قدرت های بزرگ مردان بوده اند بلکه مولدان علوم مختلف را نیز مردان تشکیل می داده اند. ادبیات کلاسیک نیز همچون اکثر علوم دوران گذشته مخلوق جنس مذکر است؛ اکثر داستان ها و اشعار دوران کلاسیک توسط مردان نوشته شده اند و زنان این دوره - که می بایست سراغ آن ها را از کنج خانه ها و کنار مطبخ ها گرفت- از حضور در اجتماع و خلق آثار ادبی محروم بوده اند؛ در چنین شرایطی شخصیت زن توسط مردان وارد داستان های کهن شده و ویژگی هایی چون خیانت، حسادت، توطئه چینی و... به آن ها نسبت داده شده است؛ حال آن که زن در بسیاری از موارد مجال اعتراض و ابراز عقاید خویش را نداشته است.

بنابراین زن به عنوان جنس ضعیف در طول تاریخ نمود یافته و مجال و اشتیاقی به شناخت حقایق روحی وی وجود نداشته است. چه در بسیاری موارد بدون شناخت دقیق از روحیات و ویژگی های شخصیتی زن در باره- ی وی به قضاوت نشسته اند؛ « پیشداوری در مورد اقلیتهای قومی و نژادی، زنان و طبقات اجتماعی در

فرهنگ های گوناگون دیده می شود». (احمدی، ۱۳۸۲: ۸۱)

بدین ترتیب به جهت پرهیز از شتاب زدگی و پیشداوری، شناسایی و معرفی ویژگی های زنان در ادبیات کلاسیک و مطابقه ی آن با علم روان شناسی ضروری می نماید. همچنین تحلیل روابط زناشویی موجود در داستان های دوره ی کلاسیک می تواند گام موثری جهت شناخت ویژگی های روحی و روانی زنان و مردان در اعصار قدیم باشد تا بدین وسیله انتظارات و نیازهای روحی زنان در زندگی زناشویی در دوره های پیشین بر اساس علم روان شناسی مورد تحلیل قرار گیرد و مخاطب را در درک شخصیت زنان در ادبیات کلاسیک بر اساس یافته های روان شناسی یاری رساند.

### ۳-۳-۱- سوالات:

- زن در ادبیات کلاسیک ایران با تکیه بر کتاب های " کلیده و دمنه ، مرزبان نامه ، بختیار نامه و سندباد نامه " دارای چه مختصات روحی و فکری ست ؟
- روابط زناشویی موجود در کتب مذکور از چه تحلیل روان شناختی برخوردار است ؟
- ویژگی های زن در ادبیات کلاسیک ایران با ویژگی های زن در علم روان شناسی تا چه میزان مطابقت دارد؟

## فصل دوم:

پیشینه‌ی تحقیق و روش اجرای طرح



## ۱-۲ پیشینه ی تحقیق

کارن هورنای (۱۳۸۴) در کتاب " روان شناسی زبـ سمن طرح آرایـی در جهت مخالفت با نظریات فروید درباره ی عقده ی اختگی در زنان معتقد است روابط زنان و مردان در طول تاریخ یادآور روابط ارباب و بردگی بوده و باید توجه داشت لزومی ندارد ارباب مدام به ارباب بودن خود بیندیشد اما رنج از برده بودن مدام ذهن زنان را درگیر می کند.

باربارا دی آنجلس (۱۳۸۳) در کتاب "رازهایی در مورد زنان که هر مردی باید آن را بداند" علت پیچیدگی شخصیت زنان را عدم شناخت آن ها از خویشتن خویش می داند؛ وی معتقد است ویژگی های بسیاری در شخصیت زنان وجود دارد که آنها خود از شناخت و دریافت آن عاجزند و به همین دلیل گاه ویژگی های زنان برای جنس مذکر و حتی خود زنان نیز، زشت و غیرقابل تحمل جلوه می کنند.

جان گری (۱۳۸۳) در تبیین تفاوت های موجود میان زنان و مردان دست به تمثیل می زند؛ وی در کتاب "مردان مریخی زنان ونوسی" چنین تصویر می کند که زنان و مردان از دو کره ی متفاوت به زمین آمده اند و زبان ارتباطی شان متفاوت است و ناچار برای شناخت و برقراری ارتباط صحیح نیاز به یک مترجم دارند؛ وی در کتاب خویش صحبت های زنان و مردان را به مفاهیم واقعی مد نظر آن ها ترجمه می کند.

حورا یاوروی (۱۳۸۶) در کتاب " روان کاوی و ادبیات " دو اثر هفت پیکر و بوف کور را از دیدگاه روان شناختی یونگ مورد بررسی قرار داده است؛ وی نقش زن را در هفت پیکر بیدار کردن قهرمان آیینی می داند تا به لایه های جدیدی از آگاهی دست یابد و در بوف کور از نقش زن به آنیما - روان زنانه ی هر موجود نرینه - تعبیر می کند که هم آسمانی نمود یافته است و هم گناهکار.

مریم چوپانی (۱۳۸۵) در رساله ی کارشناسی ارشد با عنوان " تحلیل و توصیف دیدگاههای منفی نسبت به زن در آثار منتخب ادبیات فارسی تا قرن هشتم هجری " شخصیت زنان را در ادبیات کلاسیک ایران به دو دسته ی زنان منفعل و فعال تقسیم می کند؛ به اعتقاد وی زنان یا همچون قهرمانی ظاهر می شدند و حماسه می آفریدند یا معشوقی بوده اند که سبب غزل سرایی و غنا می شدند.

مختار کمیلی (۱۳۷۶) در پایان نامه ای با عنوان " شرح سند باد نامه و بررسی شخصیت زن در این کتاب "

علی رغم عنوان، در چکیده ی این پژوهش بدون اشاره به شخصیت زن صرفاً الفاظ مشکل، ابیات عربی،

اشارات و تلمیحات و اعلام کتاب، مد نظر قرار داده است.

علی حیدری (۱۳۸۴-۱۳۸۵) طی مقاله ای در نشریه ی علوم انسانی با عنوان "سیمای زن در کلیله و دمنه" به بررسی ویژگی های زنان می پردازد، به اعتقاد وی یکی از مهم ترین دلایل ویژگی های منفی که در کلیله و دمنه به زنان نسبت داده شده است، وجود جوامع مردسالارانه می باشد. وی معتقد است وجود چنین جوامعی سبب عدم درک صحیح از ویژگی های زنان شده است.

محمد برهانی (۱۳۸۷) در کتاب "سیمای زن در مثنوی معنوی" سیمای زن را با توجه به آیات قرآنی و احادیث در مثنوی معنوی مولانا مورد بررسی قرار داده است. به نظر می رسد وی با نگارش این کتاب سعی در اثبات این نکته داشته است که عقاید مولانا پیرامون زن در مثنوی معنوی، نشأت گرفته از آیات و احادیث می باشد و شاعر نگاه اسلام نسبت به زن را در اشعار خود منعکس کرده است.

علاوه بر پژوهش هایی که پیرامون شخصیت زن در ادبیات کلاسیک انجام گرفته شده اند پژوهش هایی نیز در ادبیات معاصر وجود دارد که شخصیت زنان را در آثار نظم یا نثر معاصر مورد بررسی قرار داده اند.

بتول باقری (۱۳۸۶) در رساله ی کارشناسی ارشد خود با عنوان "سیمای زن در شعر پنج شاعر زن معاصر (پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی)" با استناد به اشعار شاعران مذکور ویژگی هایی چون مادری، باروری، سنگ صبوری، مسئولیت پذیری، مدیریت، تحمل رنج، اندوه، نداری و نیاز را به شخصیت زن نسبت داده و درباره ی آنها به بحث می پردازد؛ همچنین وی در فصلی با عنوان "بی وفایی مرد نسبت به زن" اشعاری را از شاعران مذکور گرد می آورد که دال بر بی وفایی مردان بوده است.

شهرام پناهی (۱۳۸۶) در رساله ی کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی تطبیقی شخصیت زن در آثار میلان کوندرا و محمود دولت آبادی" ضمن تطبیق آثار این دو نویسنده به تحلیل نقش زن در آثار آنها می پردازد؛ به اعتقاد پناهی زن چه در داستان های ایرانی و چه غیر ایرانی دستخوش عوامل ناخواسته ی اجتماعی است که آزادی وی را محدود می کند؛ نیز نویسنده در مقدمه به نقد وضعیت زنان در ادبیات کلاسیک ایران می پردازد و معتقد است زنان در دوره ی کلاسیک وضعیتی حقارت بار را تحمل می کردند.

همچنان که واضح است هیچ یک از منابع به صورت تخصصی از دیدگاه علم روان شناسی به بررسی ویژگی های زنان نپرداخته و معمولاً به گردآوری آرای نویسندگان مختلف در مورد زن بسنده کرده اند، البته شایان ذکر است برخی از آنها جسته و گریخته ویژگی های زنان را از نظر روان شناسی در طی مباحث

دیگر گنجانده و به تحلیل آن‌ها اشاره وار پرداخته اند.

بنابراین پاسخ به این پرسش که در آینه‌ی ادبیات کلاسیک، زنان از کدامیک از صفات و ویژگی‌ها برخوردار هستند مهمترین مسأله‌ی پیش روی ماست.

## ۲-۲- روش اجرای طرح

شیوه‌ی تحقیق این رساله به صورت کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد؛ بدین ترتیب که ضمن مطالعه‌ی کتب مرتبط با موضوع تحقیق، فیش برداری و استخراج مطالب انجام گرفته و سپس مطالب گردآوری شده تنظیم و تدوین یافته و در نهایت با توجه به اصول روان شناختی مورد تطبیق و تحلیل گرفته- اند.

در پایان تصاویری مبنی بر ویژگی های روحی زنان ترسیم شده‌اند که می توان براساس آن‌ها ویژگی‌های زنان را مورد تحلیل توصیفی قرار داد.

## فصل سوم: بحث